

دسته بندی شیوه های اجرای کتیبه های نستعلیق در تزئینات معماری دوره صفوی



* احمد صالحی کاخکی

دانشیار، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.

** قباد کیانمهر

دانشیار، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان.

*** حمیدرضا قلیچ خانی

دکترای ادبیات فارسی، پژوهشگر مستقل.

**** فرهاد خسروی بیژائی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان. (نویسنده مسول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۴/۲۲

چکیده:

یکی از جذاب ترین و متنوع ترین تزئینات معماری بناهای دوره صفوی، کتیبه های نستعلیق هستند که به شیوه های مختلف در بناهایی با کاربری های متنوع اجرا شده اند. این کتیبه ها حاوی اطلاعات ارزشمندی مانند توصیف بنا، بانیان و هنرمندان نیز هستند که شناسایی و معرفی آنها به روشن شدن زوایای پنهان تاریخ هنر معماری و خوشنویسی ایران منجر می شود. علاوه بر این، جنبه های زیبایی شناسانه این آثار نیز قابل بررسی است. از این منظر، یکی از نکاتی که نمی توان به آن بی توجه بود، گوناگونی شیوه های اجرایی کتیبه ها است که تاثیر آن بر کیفیت خوشنویسی بی تاثیر نبوده است. هدف این پژوهش، شناسایی شیوه های رایج و معرفی شیوه های کمتر شناخته شده در اجرای کتیبه های نستعلیق در تزئینات وابسته به معماری دوره صفوی است تا از این منظر، راه های پیوند دو هنر شناخته شده ایرانیان در دوره اسلامی - خوشنویسی و معماری - هر چه بیشتر آشکار شود.

در پژوهش بنیادی حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، از شیوه نمونه گیری طبقه بندی پسین استفاده شده است. بر این اساس، ۲۰۵ کتیبه در دسترس در ۱۳۷ بنای تاریخی صفوی مورد مطالعه قرار گرفته که اطلاعات بیش از شصت درصد آن ها به روش میدانی جمع آوری و مستندنگاری شده است. بر پایه نتایج حاصله، بناهای حاوی کتیبه نستعلیق در دوره صفوی را می توان در قالب ۱۱ کاربری دسته بندی نمود که بیشترین کاربری آن ها به ترتیب بناهای مقبره ای، مساجد، مدارس و آب انبارها هستند.

نتایج به دست آمده بیانگر آن است که شروع کتیبه نگاری نستعلیق، به شیوه حجاری و از اواسط قرن نهم هجری در مجموعه های آرامگاهی شهر هرات بوده است. در دوره صفوی، این سنت ادامه یافته و به ۶ شیوه اجرای اصلی - حاوی ۱۷ زیر مجموعه متمایز - قابل تفکیک است. درصد فراوانی کتیبه ها نشان می دهد که رایج ترین شیوه های اجرایی به ترتیب: حجاری (۵۱٪) و کاشی کاری (۲۴،۹٪) است و تزئینات گچی، چوبی، فلزی و نقاشی از نظر تعداد نمونه، در رده های بعدی قرار می گیرند. ترتیب زمانی به کارگیری این شیوه ها نیز بر پایه نمونه های حاوی تاریخ، ارائه شده است.

واژه های کلیدی: کتیبه نستعلیق، تزئینات معماری، معماری صفوی، خوشنویسی صفوی.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته پژوهش هنر نگارنده چهارم با عنوان "پیدایش کتیبه نگاری نستعلیق در تزئینات معماری دوره تیموری ایران و سیر تحول آن در دوره صفوی"، به راهنمایی نگارندگان اول و دوم و مشاوره نگارنده سوم، در دانشگاه هنر اصفهان است.

* Ahmadsalehikakhki@yahoo.com ** Q.kiyanmehr@au.ac.ir *** Hr.ghelichkhani@gmail.com Farhadkhosravi121@yahoo.com

اهداف پژوهش

۱. شناسایی و معرفی شیوه های مورد اقبال و رایج در اجرای کتیبه های نستعلیق در تزئینات وابسته به معماری دوره صفوی بر اساس تقدم زمانی.
۲. شناسایی و معرفی شیوه های کمتر شناخته شده در کتیبه نگاری نستعلیق صفوی.

پرسش های پژوهش

۱. شیوه های رایج در تزئینات معماری، از چه بازه زمانی برای اجرای کتیبه های نستعلیق در ابنیه صفوی مورد استفاده قرار گرفته است؟
۲. آیا شیوه های منحصر به فردی در اجرای کتیبه نگاری نستعلیق صفوی دیده می شود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، جزء پژوهش های بنیادی و از نظر روش، توصیفی تحلیلی به شمار می رود. با توجه به این که تعداد طبقات ممکن در جامعه آماری مشخص نیست، از روش نمونه گیری طبقه بندی پسین (Post Stratification) استفاده می گردد. در این روش پس از جمع آوری داده ها، اقدام به طبقه بندی می شود و بر اساس آن می توان جامعه آماری را از چند جهت دسته بندی نمود. در این پژوهش، بر اساس دسترسی به نمونه های موجود، نمونه ها تمام شماری و بررسی شده و نتایج حاصله بر پایه آن تدوین گردیده است. جامعه آماری مد نظر، تمامی نمونه های در دسترس و موجود از دوره صفوی است (۲۰۵ کتیبه در ۱۳۷ بنا) که بیش از شصت درصد آن به روش میدانی جمع آوری و مستندنگاری شده است. تحلیل نتایج بر پایه مطالعه و توصیف روش های گوناگون اجرای کتیبه ها صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

در پژوهش های پیشین، به تالیفاتی بر می خوریم که مشابهت هایی از منظر اهداف با این پژوهش دارند. کیانی (۱۳۷۶) و مکی نژاد (۱۳۸۷)، تالیفاتی در زمینه تزئینات وابسته به معماری ایران داشته اند که در آن تاریخچه و شیوه های اجرای آن را بیان کرده اند. صالحی کاخکی و اصلانی (۱۳۹۰) تقسیم بندی جامعی از تزئینات گچی در

معماری ایران را ارائه داده اند که بر اساس آن، آرایه های گچی به دوازده شیوه متنوع تقسیم شده است؛ البته در این مقاله و نیز منابع سابق الذکر، تزئینات بررسی شده صرفاً کتیبه نگاری نبوده است. معیار تقسیم بندی شیوه های اجرای تزئینات کتیبه ای در انتهای مطالب این پژوهش، جمع بندی مطالب پژوهش های نامبرده است.

از دیگر سو، در پژوهش های انجام شده توسط هنرفر (۱۳۴۴-۱۳۴۶-۱۳۴۸)، ورجاوند (۱۳۴۹)، مدرس طباطبایی (۱۳۴۶-۱۳۵۰)، رفیعی مهرآبادی (۱۳۵۲)، ستوده (۱۳۶۶-۱۳۷۵)، دانش یزدی (۱۳۸۷) و برخی دیگر، نیز مطالبی درخور و مرتبط ارائه شده است. البته از این نکته نباید چشم پوشی کرد که این پژوهشگران تاکید و تفکیکی برای تزئینات کتیبه ای یا قلم های خوشنویسی قابل نشده اند و از منظر تاریخی در توصیف ابنیه برخورد کرده، متن و مشخصات کتیبه های آن را نیز ذکر کرده اند.

علاوه بر این، تالیفاتی نیز اختصاصاً در حوزه کتیبه نگاری نستعلیق انجام شده است که می توان به موارد زیر اشاره کرد: هاشمی نژاد (۱۳۸۴) کتیبه ای نستعلیق را بررسی کرده که به زعم وی متعلق به دوره تیموری و در زمره اولین کتیبه های نستعلیق ایران است. روح الامین (۱۳۸۶) در مقاله ای، کتیبه گجبری میرعماد در تکیه میر اصفهان را مورد بررسی قرار داده است. خسروی بیژن (۱۳۸۶) نقش قلم نستعلیق را در کتیبه های مکتب اصفهان با تکیه بر آثار محمد صالح اصفهانی مورد بررسی قرار داده و در پژوهش دیگری (۱۳۹۲) کتیبه های نستعلیق بقاع متبرکه اصفهان را طبقه بندی فرمی و مضمونی کرده است. در پژوهشی دیگر، خسروی بیژن و یزدانی (۱۳۹۰) کتیبه گجبری علی رضا عباسی در تربت جام را معرفی نموده اند. در تالیفی متأخر، معتقدی (۱۳۹۴) در آخرین اثر منتشر شده اش، کتیبه های نستعلیق تهران را فارغ از دوره زمانی آن بررسی کرده است. از خلال پژوهش های نامبردگان نیز می توان مطالبی در مورد شیوه های اجرای کتیبه ها به دست آورد.

از آن جا که هیچ یک از مطالب فوق، طبقه بندی شیوه های اجرایی را به طور مستقل مد نظر قرار نداده اند، پژوهش حاضر تدوین شده است تا روشنگر بخشی از تاریخ توامان



مقدمه

در بررسی مقدماتی نگارندگان، این نکته کاملاً مشهود است که استفاده از قلم نستعلیق در تزئین ابنیه در محدوده زمانی اواسط تیموری تا اواسط صفوی، کم‌کم گسترش می‌یابد و پس از آن، نستعلیق در کتیبه نگاری با اقبال تام رو به رو می‌شود. در واقع، قلمی که در اواسط قرن نهم هجری با تردید و احتیاط در مقبره‌های تیموری اعلان حضور کرده بود (تصویر ۱)، در اواخر قرن دهم هجری کاملاً پذیرفته شده و رواج می‌یابد.

به دنبال ورود قلم نستعلیق در معماری بقاع تیموری، نمونه‌هایی با کاربری دیگر نیز دیده می‌شود. در دوره سلطان حسین بایقرا، نمونه خطوط سلطان علی مشهدی در کتیبه‌های طولانی عمارات متعدده و طاق‌های رواق‌های مختلفه و حوض مرمر باغ جهان آرای مشهور به باغ‌مراد هرات شکل می‌گیرد که اشعار حجاری شده بر آن، سروده امیر علیشیر بوده است (ایرانی، بی‌تا، ۱۶۰ - قمی ۱۳۸۳، ۶۱). علاوه بر این، چند کتیبه دیگر به رقم سلطان علی مشهدی، خوشنویس شهیر تیموری موجود است که از نمونه‌های آن می‌توان به سنگ قبر سلطان حسین بایقرا



تصویر ۱: سنگ قبر غیاث‌الدین منصور به تاریخ ۸۴۹ ه.ق، هرات (Wannell ۲۰۱۳، ۵۵)

خوشنویسی و معماری ایران عهد صفوی باشد. طبیعتاً با این رویکرد، نتایج پژوهش پیش رو، می‌تواند مورد استفاده جامعه خوشنویسی و معماری قرار گیرد و امکان پیوند عمیق این دو زمینه هنری ایران اسلامی را فراهم سازد. ادبیات پژوهش

واژه کتیبه (یا کتابه) در خوشنویسی دو بار معنایی مشابه و در عین حال متفاوت دارد. در کاربرد اول، کتیبه به اثری گفته می‌شود که با قلم خوشنویسی جلی نوشته شده باشد. در این معنا، پهنای قلم از حدود شش میلی‌متر تا دو سانتی‌متر را شامل می‌شود (قلیچ‌خانی ۱۳۷۳، ۱۷۰). در کاربرد معنایی دوم، کتیبه به اثری گفته می‌شود که بر سطحی غیر از کاغذ مثل گچ، سنگ، کاشی، فلز و ... در بناهای تاریخی اجرا شده باشد (فضائی ۱۳۸۴، ۱۳۰). در معنای اخیر، جلی بودن قلم الزامی نیست چرا که به نوشته‌های روی سکه‌ها، منسوجات و ... هم واژه کتیبه اطلاق می‌شود. منظور از کتیبه در پژوهش حاضر، معنای اخیر است و آن دسته از آثار را شامل می‌گردد که در تزئینات وابسته به معماری صفوی دیده می‌شود.

با این تعبیر، کاربری اولیه کتیبه‌های نستعلیق در معماری و تزئینات وابسته به آن، برای اولین بار در کتیبه‌های حجاری لوح مقابر بزرگان تیموری دیده می‌شود و با گذشت زمان، آثاری از این قبیل بیشتر در هرات قابل مشاهده است. چنان که در اواسط قرن نهم هجری در گازرگاه و در جوار آرامگاه خواجه عبدالله انصاری، الواح مقبره‌تنی چند از درباریان تیموری وجود دارد که با این قلم نگارش یافته است (قلیچ‌خانی ۱۳۹۲، ۱۱۴).

در دوره صفوی، کاربرد فراوان کتیبه‌ها در بناهای مختلف (مسجد، کاخ، آرامگاه‌ها، ...) و تعدد اساتید برجسته، چه در زمینه نگارش متن و چه در زمینه ساخت و پرداخت آنها، واقعا چشمگیر است. در این دوره، هنرمندان رشته‌های متعددی در خدمت کتیبه نگاری بودند؛ گچبری، منبت، حجاری، قلمزنی، کاشی‌سازی و کاشی‌تراشی. همین مساله، دلیل گسترش، خلاقیت و نوآوری در کاربرد خط در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه تزئینات وابسته به معماری گردید.





مزار وی، به شعر و قلم مولانا محمد ابریشمی نگاشته شده است (قمی ۱۳۸۳، ۶۲ - بیانی ۱۳۶۳، ج ۱، ۲۴۹). در دوره صفوی، کاربری بناهایی که کتیبه نستعلیق دارند تنوع زیادی پیدا می کند و بناهای مذهبی و غیر مذهبی فراوانی به چشم می خورد که حاوی کتیبه های نستعلیق هستند. بر اساس مطالعات اولیه و مقدماتی، می توان حداقل یازده کاربری مختلف برای این ابنیه ذکر کرد: مسجد، مدرسه، مقبره، کاخ، خانه، حمام، بازار، آب انبار، کاروانسرا، پل و سقاخانه (جدول ۱). شروع این امر از مقابر بوده و با گذر زمان، در بناهای مذهبی و عام المنفعه نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بر پایه نمونه های موجود، اوج کاربری و تنوع را می توان قرن یازدهم هجری دانست. در کنار این تنوع کاربرد ابنیه، شیوه های اجرای این کتیبه ها نیز بسیار گونه گون می شود که در ادامه به آن می پردازیم.

اشاره کرد (عالی افندی ۱۳۶۹، ۶۱). آن چه مسلم است، قدیمی ترین کتیبه نستعلیق رقم دار به خط وی نوشته شده است. این اثر، سنگ مزاری در آرامگاه اجداد سلطان حسین بایقرا در گازرگاه هرات است که تاریخ ۸۸۲ هـ ق را بر خود دارد (اوکین ۱۳۸۶، ۶۰۰ - قلیچ خانی ۱۳۹۲، ۱۱۵ - آژند ۱۳۸۳، ۳۶). به بیانی واضح تر، کتیبه نگاری نستعلیق، با رقم سلطان علی مشهدی بر همین کتیبه، رسمیت می یابد. اگر چه نمونه های تاریخ دار معدودی قبل از ۸۵۰ هـ ق در هرات موجود است (Wannell ۲۰۱۳، ۵۴-۵۵)، ولی هیچ یک از آن ها حاوی رقم خوشنویس نیست و تا کنون در تذکره ها و شرح احوال خوشنویسان هم نشانی از کاتبان آن ها به دست نیامده است. از دیگر آثار سلطان علی در مشهد، کتیبه حمام خلیل نیزه چی است که متأسفانه جز در منابع مکتوب نشانی از آن در دست نیست. سلطان علی مشهدی در سال ۹۲۶ هـ ق در مشهد وفات یافت و در محوطه حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد (قمی ۱۳۸۳، ۶۱) و لوح

جدول ۱: دسته بندی کاربری بناهای صفوی حاوی کتیبه نستعلیق (نگارندگان)

مسجد	مدرسه	مقبره	کاخ	حمام	بازار	آب انبار	خانه	پل	کاروانسرا	سقاخانه
حکیم اصفهان ۱۰۶۷ هـ ق	گنجعلی خان کرمان ۱۰۰۷ هـ ق	امامزاده محروق نیشابور ۱۱۱۹ هـ ق	عالی قاپو اصفهان	ناسار سمنان ۱۱۱۸ هـ ق	قیصریه لارستان	ساروتقی قم ۱۰۵۴ هـ ق	پیرنیا ناین	مارنان اصفهان ۱۱۰۲ هـ ق	شیخ علیخان اصفهان ۱۰۹۸ هـ ق	مسجد جورجیر ۱۰۷۵ هـ ق
جامع اصفهان ۱۱۱۲ هـ ق	میرزا حسین اصفهان ۱۱۰۹ هـ ق	تکیه میر اصفهان	عالی قاپو قزوین	گنجعلی خان کرمان ۱۰۲۰ هـ ق	ساروتقی اصفهان ۱۰۵۶ هـ ق	علیمردان خان ۱۰۲۹ هـ ق	ورزنه	شامانلو اصفهان ۱۱۰۱ هـ ق	شیخ علیخان بیستون	مسجد لبنان ۱۱۱۰ هـ ق
جامع یجستان ۱۰۳۴ هـ ق	عباسقلی خان مشهد ۱۰۷۸ هـ ق	حرم رضوی ۱۰۱۱- هـ ق ۱۰۸۶	چهلستون اصفهان ۱۱۱۸ هـ ق	خور بیرجند ۱۰۷۹ هـ ق	شیخ جام ۱۰۱۰ هـ ق	ایبانه	قلعه سرخ دهلی ۱۰۳۱ هـ ق	گناباد ۱۰۸۴ هـ ق	درب امام ۱۱۱۷ هـ ق	
آقانور اصفهان ۱۰۳۴ هـ ق	خان شیراز ۱۰۲۴ هـ ق	هارون ولایت ۱۰۶۷ هـ ق	قلعه آگرا ۱۰۱۱ هـ ق	عقدا بزد ۱۰۵۵ هـ ق	شاه مشهد ۱۰۲۷ هـ ق			گجرات هند ۱۰۵۴ هـ ق	میدان نقش جهان ۱۰۹۲ هـ ق	
علیقلی آقا اصفهان	چهارباغ اصفهان ۱۱۱۸ هـ ق	امامزاده اسماعیل ۱۱۱۱ هـ ق		قجر قزوین ۱۰۵۷ هـ ق	مسجدوزیر کاشان ۱۰۵۵ هـ ق				مجلسی	

نمونه موردی





عزیز الله ه.ق ۱۰۸۷				مصلاى عتيق يزد ه.ق ۹۵۷		قلعه ايزد خواست ه.ق ۱۱۱۰		بقعه شاهزادگان ه.ق ۱۰۴۱	دودر مشهد ه.ق ۱۰۸۸	جامع نیشابور ۱۱۲۶ ه.ق	تعداد (حدائق)	منبع مجموعه
۶	۴	۳	۳	۱۶	۲	۹	۴	۴۱	۱۷	۳۲		میدانی - اوکین ۱۳۸۶، - ۲۸۱ مولوی ۱۳۵۴، ۲۰۸
میدانی - دادمهر ۸۲، ۱۳۷۸ ۹۸، ۸۴	میدانی - هنرفر ۱۳۴۴، ۶۴۸	میدانی - حکمت ۱۳۳۷، ۴۹ - ملازاده ۱۳۷۹، ۷۰ ۷۲	میدانی میدانی	میدانی - حاجی قاسمی ۱۳۷۹، ۹۹، ۵۸ - ۵۵۲ ۱۷۷، ۱۰۶ - افشار ۱۳۵۴، ۶۶۳	میدانی - هنر فر ۱۳۴۴، - ۵۵۲ اسلامی ۷۰، ۱۳۵۳	میدانی - ملازاده ۱۳۷۹، ۱۳۱، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۷۱، ۲۴۹	میدانی - هنرفر ۱۳۴۴، ۴۲۳، ۵۶۶	میدانی - هنرفر ۱۳۴۴، ۵۲۶ - هنرفر ۱۳۴۴، ۱۳۸	میدانی - حاجی قاسمی ۱۳۷۹، ۲۳۶، ۲۲۵، ۱۳۲			

در ادامه، روش های اجرای کتیبه های نستعلیق در دوره صفوی را می توان بدین شرح بیان نمود:

۱- حجاری

۱-۱- برجسته: بررسی های انجام شده حاکی از آن است که اولین شیوه اجرای کتیبه های نستعلیق، حجاری برجسته بوده است. همان گونه که ذکر شد، نمونه های اولیه آن را از اواسط قرن نهم هجری در لوح مقبره های هرات می توان دید (تصویر ۱). در این شیوه، متن کتیبه از فضای اطراف آن برجسته تر است. از شاخص ترین نمونه های اولیه آن، کتیبه سلطان علی مشهدی (۸۸۲ ه.ق) در هرات است که بیشتر ذکر آن رفت. از نمونه های اولیه آن در دوره صفوی، می توان به کتیبه های مسجد میدان کاشان (۹۲۲ ه.ق) و امامزاده ابوالفتح وانسان گلپایگان (۹۲۳ ه.ق) اشاره کرد. از زیباترین نمونه های موجود می توان از کتیبه سردر آب انبار علیمردان خان در کرمان نام برد (تصویر ۲).

۱-۲- نقری: در این شیوه اجرا، متن کتیبه نسبت به فضای پس زمینه گود است. تعداد انگشت شماری از کتیبه های نستعلیق صفوی به این روش اجرا شده که از دسترس ترین نمونه ها می توان کتیبه ورودی حمام گنجعلی خان کرمان (۱۰۲۰ ه.ق) و نیز کتیبه کاروانسرای شیخ علی خان زنگنه (تصویر ۳) در بیستون را نام برد.

۱-۳- معرق سنگ: از تزئینات رایج معماری در دوره گورکانیان هند است که در جغرافیای ایران امروز نمونه ای بدین شیوه

شیوه های اجرای کتیبه های نستعلیق صفوی

مطالعه شیوه های اجرای کتیبه های نستعلیق صفوی نشان می دهد که نمونه های اولیه به شیوه حجاری اجرا شده اند و به تدریج کتیبه های کاشی معرق، گجبری، کاشی خشتی، چوبی و ... نیز مورد آزمون و اجرا قرار گرفته اند. همچنین، این بررسی نشان دهنده آن است که تنوع مواد اولیه و روش های اجرای کتیبه ها، آگاهانه و غیر آگاهانه بر شیوه نگارش و به تبع آن بر کیفیت خوشنویسانه آن تاثیر گذار بوده است. خوشنویس همواره این نکته را مد نظر قرار می دهد که اجرای مجدد قطعه خوشنویسی شده اش توسط صنعتگران، با کاستی هایی رو به رو است و بسته به شیوه اجرا نمی توان تمام دقایق و ظرایف خوشنویسی را در کتیبه ها لحاظ نمود. همین امر تا حدی کاتبان را وادار ساخته تا به نحوی در کتابت تغییر ایجاد کنند تا اجرای کتیبه ای آن ساده تر باشد.

در کتیبه نگاری، میزان رعایت قواعد و قدرت نگارش، اهمیت ویژه ای دارد چرا که قلم کتیبه از حدود نوشتن های معمول و متعارف می گذرد و تسلطی ویژه می طلبد (فضائلی ۱۳۸۴، ۱۳۱). در همین رابطه باید این نکته را در نظر داشت که توان اجرایی هنرمند - صنعتگر سازنده کتیبه هم در حفظ عیار خوشنویسی بسیار تاثیر گذار است چرا که انتقال طرح بر زمینه اجرا عموماً به شیوه سوزنی کردن (گرده کردن) صورت می گرفته است (همان، ۱۳۲-۱۳۳).



آن می‌توان به کتیبه پل قلعه سرخ دهلی به تاریخ ۱۰۳۱ ه.ق (حکمت ۱۳۳۷، ۴۹) و کتیبه مزار امیر خسرو دهلوی در ۱۰۶۳ ه.ق (تصویر ۴) اشاره نمود.



تصویر ۳: کتیبه حجاری نقری، کاروانسرای شیخ علی خان بیستون (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)

دیده نشده است. از آن جا که چند نمونه از کتیبه های معرق سنگ هند توسط خوشنویسان ایرانی نگاشته شده، در تقسیم بندی شیوه‌های اجرایی قرار گرفته است. از نمونه های زیبایی



تصویر ۲: کتیبه حجاری برجسته، آب انبار علی مردان خان کرمان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۴: کتیبه حجاری معرق، مقبره امیر خسرو دهلوی (عکس: حمیدرضا قلیچ خانی)

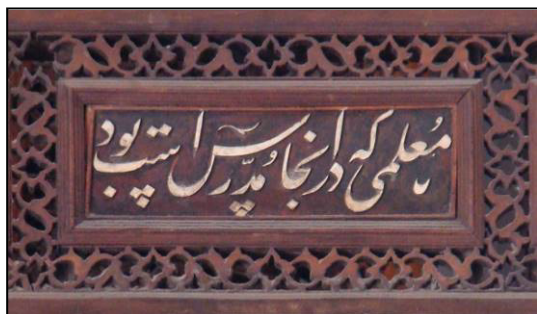
از جامعه آماری این پژوهش دیده شده است. اولین نمونه روی در ورودی بقعه هفده تن گلپایگان (۱۰۹۱ ه.ق) و نمونه دیگر بر دستاویزهای چوبی هشتی ورودی مدرسه چهارباغ (۱۱۱۹ ه.ق) اجرا شده است (تصویر ۶).
۲-۳- حکاکی (نقري): در این روش، تزیینات با ابزار کاهنده مثل مغار یا چاقو بر سطح چوب نقر می‌شود. کاربرد آن در کتیبه نگاری و به ویژه نستعلیق، بسیار محدود است. فقط در یک مورد برای اجرای کتیبه نستعلیق از این شیوه استفاده شده و آن هم بخشی از در شمالی مسجد جامع نطنز (۱۰۱۲ ه.ق) است (تصویر ۷).

۲- تزیینات چوبی

۱-۲- منبت: شناخته شده ترین و رایج ترین شیوه اجرای تزیینات معماری چوبی است که برای نخستین بار در نیمه دوم قرن دهم هجری برای اجرای کتیبه های نستعلیق در امامزاده قاسم تجریش (۹۶۳ ه.ق) (مصطفوی ۱۳۵۱، ۲۲۹) و شاهزاده حسین قزوین (۹۶۷ ه.ق) (کیانمهر ۱۳۸۴، ۲۴۴ - گلریز ۱۳۶۸، ۶۸۹) مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۵).

۲-۲- رویه کوبی: شیوه‌ای است که در آن، طرح به صورت مشبک از یک صفحه چوبی جدا می‌شود و بر اساس طرح اصلی روی سطح چوبی دیگری چسبانده می‌شود (خسروی بیژانم ۱۳۹۴، ۴). از آنجا که این شیوه تزیین نسبت به منبت ناشناخته تر بوده، فقط در دو نمونه





تصویر ۶: کتیبه رویه کوبی چوب،
مدرسه چهارباغ اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۵: کتیبه منبت،
بقعه شاهزاده حسین قزوین (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۷: کتیبه حکاکی چوب، مسجد جامع نطنز (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)

صفوی، کتیبه در ورودی مدرسه چهارباغ اصفهان (۱۱۲۰ ه.ق) را می‌توان نام برد (تصویر ۹).
۳-۳- مشبک: از روش‌های ایجاد طرح روی سطوح فلزی است. در این روش زمینه طرح با "قلم تیزبر" خالی می‌شود و طرح به صورت مشبک باقی می‌ماند. تنها نمونه به جای مانده از کتیبه‌های نستعلیق مشبک فلزی، چندین قاب متعلق به بقعه درب امام اصفهان است که تعدادی از این قاب‌بندی‌ها در موزه ملک تهران و تعدادی در موزه اسلامی قاهره (Okane, 2006, 287) نگهداری می‌شود. با توجه به شیوه خوشنویسی، می‌توان آن را به نیمه دوم قرن یازدهم هجری منسوب کرد (تصویر ۱۰).

۳- تزئینات فلزی

۳-۱- قلمزنی: رایج‌ترین تزئین فلزی به شمار می‌رود و در کتیبه نگاری نستعلیق صفوی هم به کار رفته است. یکی از نفیس‌ترین آثار اجرا شده بدین شیوه، کتیبه طلای ضریح صفوی مضجع شریف امام رضا (ع) است که در موزه آستان قدس نگهداری می‌شود. این کتیبه به قلم علی‌رضا عباسی (۱۰۱۱ ه.ق) نوشته شده است. از نمونه‌های دیگر این دوره می‌توان در ورودی مسجد امام اصفهان را نام برد (۱۰۴۶ ه.ق) (هنر فر ۱۳۴۴، ۴۳۳). این کتیبه ابتدا با "قلم نیم بر" روی فولاد اجرا شده و سپس با لایه‌ای از طلا پوشانده شده است (تصویر ۸).

۳-۲- قلمزنی برجسته: در این روش، بر اثر ضربه قلم بر سطوح فلزی، بخش‌هایی از طرح بعضاً تا یک سانتی‌متر نیز برجسته می‌شوند و اختلاف سطح طرح و پس زمینه کاملاً مشهود است. از نمونه‌های به جا مانده از دوره





تصویر ۸: کتیبه قلمزنی، مسجد امام اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۹: کتیبه قلمزنی برجسته، مدرسه چهارباغ اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۱۰: کتیبه مشبک فلز، بقعه درب امام اصفهان (عکس: برنارد اوکین)

۴- تزیینات گچی

۱-۴- گچبری

گچبری شیوه‌های متعددی دارد که برای اجرای کتیبه‌های نستعلیق در پژوهش حاضر، از دو شیوه اجرایی آن استفاده شده است.

۱-۱-۴- شیر و شکری: تزیینی است که اختلاف سطح گچ در طرح و پس زمینه، از حدود دو تا سه میلیمتر تجاوز نمی‌کند (روح الامین ۱۳۸۵، ۲۷). نمونه این شیوه در تکیه

میرفندرسکی دیده می‌شود که خط میرعماد بر دیوار داخلی بقعه سران بختیاری - بدون تاریخ - کتیبه شده است (روح الامین ۱۳۸۶، ۱۵۳) (تصویر ۱۱) و نیز کتیبه آب انبار مجموعه شیخ جام (۱۰۱۰ ه.ق) (خسروی بیژانم و یزدانی ۱۳۹۰، ۸).

۱-۲-۴- برجسته: در گچبری برجسته، اختلاف سطوح گچبری شده با پس زمینه، بیشتر از شیوه شیر و شکری و به اندازه تقریبی نیم تا دو سانتی متر است (روح الامین



تزیینات گچی در معماری است. بدین طریق که برای ایجاد طرح، ابتدا گچ زمینه در فضاهای مورد نظر، حفر و سپس با گچ رنگی پر می‌شود و در پایان، گچ رنگی طرح با گچ زمینه هم سطح می‌گردد (همان: ۱۰۲). تنها کتیبه نستعلیق احصا شده به این روش، کتیبه مدرسه نیم آورد اصفهان، متعلق به اواخر دوره صفوی است که البته تاریخ دقیق آن قید نشده است (تصویر ۱۴).

۴-۴- لایه چینی: در این شیوه که عموماً روی زمینه گچی اجرا می‌شود، ابتدا در قسمت طرح مورد نظر با گل سرخ، برجستگی مختصری ایجاد شده، سپس ورقه طلا توسط روغن کمان به آن چسبانده می‌شود. از این رو، آن را "طلاچسبان" هم می‌نامند. تنها نمونه موجود بدین روش، کتیبه ایوان عالی قاپو در اصفهان است. انتهای این کتیبه که احتمالاً حاوی رقم و تاریخ بوده، از بین رفته، ولی بر پایه متن کتیبه، متعلق به زمان شاه سلطان حسین صفوی است (تصویر ۱۵).

۱۳۸۵، ۲۷). از نمونه‌های شاخص آن می‌توان به کتیبه هارون ولایت (۱۰۶۷ ه.ق) و امامزاده اسماعیل (۱۱۱۱ ه.ق) در اصفهان اشاره نمود (خسروی بیژانم ۱۳۹۲، ۶۰۸) (تصویر ۱۲). قدیمی‌ترین کتیبه گچبری نستعلیق مشاهده شده تا کنون، در بقعه چهل اختران قم (۹۷۹ ه.ق) (عقابی ۱۳۷۶، ۴۳۹) واقع است.

۴-۲- کشته بری: برای انجام تزیین کشته بری، ابتدا لایه نازکی از گچ کشته روی گچ زمینه اجرا می‌شود، سپس انتقال طرح صورت می‌گیرد. برای اجرای طرح با ابزار کاهنده مثل دم بر و بوم خوار که در شیوه‌های دیگر گچبری نیز کاربرد دارند، اقدام به برداشتن لایه گچ کشته اطراف طرح می‌کنند. بدین ترتیب، طرح اصلی به صورت برجستگی یک تا پنج میلیمتر روی دیوار باقی می‌ماند (صالحی کاخکی و اصلانی ۱۳۹۰، ۹۸). از معدود کتیبه‌هایی که بدین شیوه اجرا شده، کتیبه خانه پیرنیا در نایین است (تصویر ۱۳).

۴-۳- تخمه گذاری: یکی دیگر از شیوه‌های اجرای



تصویر ۱۲: کتیبه گچبری برجسته، بقعه امامزاده اسماعیل اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۱۱: کتیبه گچبری شیر و شکری، تکیه میر اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۱۴: کتیبه تخمه گذاری گچی، مدرسه نیم‌آورد اصفهان (عکس: محسن ملک‌احمدی)



تصویر ۱۳: کتیبه کشته بری، خانه پیرنیا نایین (عکس: قباد کیانمهر)





تصویر ۱۵: کتیبه لایه چینی (لایه طلا از بین رفته و فقط لایه گل سرخ باقی مانده است)، کاخ عالی قاپو اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)

۵- کاشی

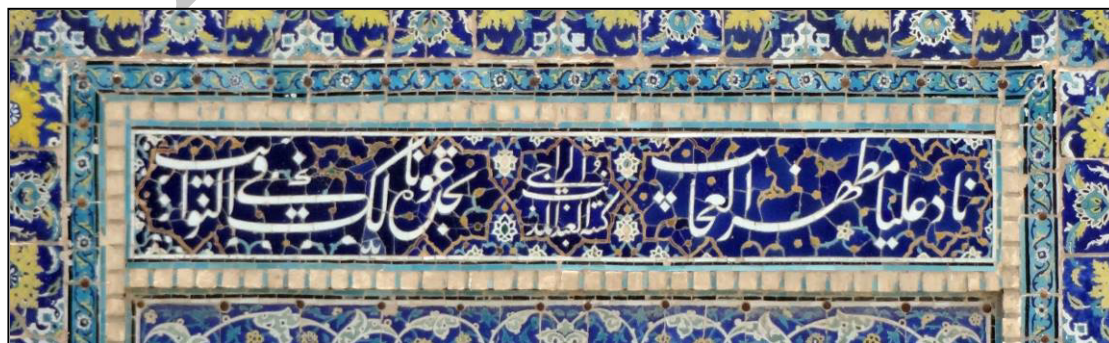
۱-۵- معرق: از رایج ترین شیوه های تزیینات دوره تیموری و صفوی است که برای کتیبه نگاری نیز مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۱۶). از قدیمی ترین نمونه های تاریخ دار صفوی آن می توان به کتیبه سردر آب انبار فیروزآباد میبد (۹۵۱ ه.ق) (افشار ۱۳۵۴، ۷۳) اشاره کرد. البته اگر زمان اجرای کتیبه نستعلیق بدون رقم و تاریخ سردر بقعه هارون ولایت اصفهان را با زمان اجرای کتیبه ثلث سردر (۹۱۸ ه.ق) یکی بدانیم، می توان آن را قدیمی ترین کتیبه نستعلیق کاشی معرق ایران دانست.

۲-۵- هفت رنگ: روش اجرای ساده تر آن نسبت به کاشی معرق باعث شد به سرعت جای آن را در اجرای تزیینات معماری بگیرد. کتیبه های بسیاری از دوره صفوی باقی مانده که بدین روش اجرا شده است. یک نمونه که شاید قدیمی ترین نمونه موجود باشد، بر سردر ورودی مسجد شیخ لطف الله جای گرفته و با فرض

همزمانی اجرای آن با کتیبه ثلث سردر به قلم علی رضا عباسی، می تواند در ۱۰۱۲ ه.ق اجرا شده باشد. همچنین، علاوه بر قدیمی ترین نمونه تاریخ دار آن در مسجد آقا نور اصفهان (۱۰۳۴ ه.ق) (تصویر ۱۷)، می توان کتیبه های مسجد حکیم (۱۰۶۷ ه.ق) و مسجد لبنان (۱۰۸۰ ه.ق) در اصفهان را نیز نام برد.

۶- نقاشی

در جامعه آماری این پژوهش، چند کتیبه بدین روش موجود است. تنها نمونه تاریخ دار آن (۱۰۷۳ ه.ق)، کتیبه ای از دوره شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق) است که در فضای زیر گنبد بقعه هفده تن گلپایگان به شیوه رنگ روغن اجرا شده است (تصویر ۱۸). نمونه های دیگری نیز در مدرسه گنجعلی خان کرمان و مسجد جامع اصفهان موجود است که رقم و تاریخ ندارد ولی با توجه به شواهد و قراین فرمی و نگارشی، متعلق به دوره صفوی است.



تصویر ۱۶: کتیبه کاشی معرق، مسجد امام اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۱۸: کتیبه نقاشی،
بقعه هفده تن گلپایگان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)



تصویر ۱۷: کتیبه کاشی هفت رنگ،
مسجد آقانور اصفهان (عکس: فرهاد خسروی بیژانم)

می‌توان موارد زیر را نام برد: امامزاده هفده تن گلپایگان با در بر داشتن دو شیوه منحصر به فرد در اجرای کتیبه های نستعلیق (رویه کوبی و نقاشی)، مدرسه چهارباغ با در بر داشتن شیوه های خاص و متنوع (هفت رنگ، معرق، رویه کوبی و قلمزنی برجسته)، خانه پیر نیا در نایین (تنها نمونه کشته بری)، مدرسه نیم آورد (تنها نمونه تخمه گذاری گچی)، بقعه درب امام اصفهان (تنها نمونه مشبک فلز) و مسجد جامع نطنز (تنها نمونه حکاکی چوب).

جمع بندی نتایج آماری حاصل از بررسی شیوه های مختلف اجرایی و زمان ورود آن به تزیینات کتیبه نگاری نستعلیق در دوره صفوی، در جدول ۲ قابل مشاهده است. بدین منظور، تعداد ۲۰۵ کتیبه مورد مطالعه قرار گرفته که در این میان، با پژوهش های کتابخانه ای و میدانی، روش اجرای تعداد ۱۹۹ کتیبه مشخص گردیده و چگونگی اجرای ۶ کتیبه - من جمله: مدرسه بهزادیه و مدرسه سعدیه در مشهد - میسر نشده است.

در بین شیوه های مختلف اجرا، چند نمونه منحصر به فرد قابل توجه است که می‌تواند در زمره خاص ترین آثار کتیبه ای نستعلیق ایران عهد صفوی قرار گیرد: کتیبه کشته بری خانه پیرنیا در نایین، کتیبه تخمه گذاری مدرسه نیم آورد اصفهان، کتیبه لایه چینی ایوان عالی قاپو اصفهان، کتیبه مشبک فلز بقعه درب امام اصفهان، کتیبه چوبی حکاکی (نقری) مسجد جامع نطنز و کتیبه قلمزنی برجسته مدرسه چهارباغ اصفهان. در کنار این پنج مورد که شیوه اجرای یگانه ای دارند، در پژوهش انجام شده، سه شیوه اجرای دوگانه نیز قابل توجه است: حجاری نقری در کتیبه حمام گنجعلی خان کرمان و کتیبه کاروانسرای شیخ علی خان زنگنه در بیستون، معرق سنگ در کتیبه مزار امیر خسرو دهلوی و کتیبه پل قلعه سرخ دهلی؛ و رویه کوبی چوب در کتیبه بقعه هفده تن گلپایگان و کتیبه مدرسه چهارباغ اصفهان.

از بناهای شاخص صفوی که از این منظر قابل توجه هستند،





جدول ۲: طبقه بندی شیوه های اجرای کتیبه های نستعلیق صفوی (نگارندگان)

درصد فراوانی	تعداد (حداقل)	نمونه آثار	شیوه اجرا	
% ۵۱	۱۰۵	بقعه شاهزادگان صفوی اصفهان	برجسته	
		حمام گنجعلی خان کرمان	نقری	
		مزار امیر خسرو دهلوی	معرق سنگ	
% ۷,۸	۱۶	بقعه شاهزاده حسین قزوین	منبت	
		مدرسه چهارباغ اصفهان	رویه کوبی	
		مسجد جامع نطنز	نقری (حکاکی)	
% ۲,۴	۵	مسجد امام اصفهان	قلمزنی	
		مدرسه چهارباغ اصفهان	قلمزنی برجسته	
		بقعه درب امام اصفهان	مشبک	
% ۸,۸	۱۸	تکیه میر اصفهان	شیر و شکری	گچبری
		بقعه هارون ولایت اصفهان	برجسته	
		خانه پیرنیا نایین	کشته بری	
		مدرسه نیم آورد اصفهان	تخمه گذاری	
		کاخ عالی قاپو اصفهان	لایه چینی	
% ۲۴,۹	۵۱	مسجد امام اصفهان	معرق	
		مسجد آقانور اصفهان	هفت رنگ	
% ۱,۹	۴	امامزاده هفده تن گلپایگان	رنگ روغن نقاشی	

نتیجه گیری

(۲۴,۹%) است و تزئینات گچی، چوبی، فلزی و نقاشی از نظر تعداد نمونه، در رده های بعدی قرار می گیرند. نکته قابل تامل، نفیس بودن کتیبه های فلزی علی رغم تعداد بسیار کم این آثار است. در مورد زمان تقریبی به کارگیری شیوه های مختلف اجرایی برای کتیبه نگاری نستعلیق می توان بر پایه آثار تاریخ دار موجود، روند زیر را پیشنهاد داد: اولین شیوه، حجاری است که در واقع ادامه سنت کتیبه نگاری نستعلیق تیموری است و اولین نمونه های صفوی آن، در مسجد میدان کاشان (۹۲۲ ه.ق) و امامزاده ابوالفتح وانسان (۹۲۳ ه.ق) دیده می شود. کاشی معرق دومین شیوه ای است که احتمالاً در ۹۱۸ ه.ق و قطعا در ۹۵۱ ه.ق مورد استفاده قرار گرفته است. پس از کاشی معرق، به ترتیب: منبت (۹۶۳ ه.ق)،

بر اساس نمونه های موجود، می توان شیوه های اجرای کتیبه های نستعلیق را دسته بندی نمود. بر این اساس، ۶ شیوه اجرای اصلی - حاوی ۱۷ زیر مجموعه متمایز - از لحاظ اجرا دیده می شود. کتیبه سازان برای اجرای کتیبه های نستعلیق از شیوه های مختلف؛ حجاری (برجسته، نقری، معرق سنگ)، چوبی (منبت، رویه کوبی، نقری)، فلزی (قلمزنی، طلاکوبی، مشبک)، گچی (گچبری برجسته، گچبری شیر و شکری، کشته بری، تخمه گذاری و لایه چینی)، کاشی (معرق، هفت رنگ) و نقاشی استفاده کرده اند. درصد فراوانی کتیبه ها نشان می دهد که رایج ترین شیوه های اجرایی به ترتیب: حجاری (۵۱%) و کاشی کاری



نگاری نستعلیق درآمده است. این مطلب همچنین بیانگر آن است که تنوع شیوه های اجرا در نیمه اول حکومت صفوی (قرن ۱۰ ه.ق) محدود به چهار شیوه (حجاری، معرق، منبت و گچبری) است و اوج تنوع اجرایی در قرن یازدهم هجری صورت گرفته است.

گچبری (۹۷۹ ه.ق)، قلمزنی (۱۰۱۱ ه.ق)، حکاکی چوب (۱۰۱۲ ه.ق)، حجاری نقری (۱۰۲۰ ه.ق)، معرق سنگ (۱۰۳۱ ه.ق)، هفت رنگ (۱۰۳۴ ه.ق)، نقاشی (۱۰۷۳ ه.ق)، مشبک فلز (نیمه قرن ۱۱ ه.ق)، رویه کوبی (۱۰۹۱ ه.ق)، تخمه گذاری (اوایل قرن ۱۲ ه.ق)، لایه چینی (اوایل قرن ۱۲ ه.ق) و قلمزنی برجسته (۱۱۲۰ ه.ق)، به خدمت کتیبه

قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می دانند از بزرگواری که در این پژوهش با همراهی و در اختیار قرار دادن تصاویر مورد نظر، در تکمیل یافته های پژوهش، همکاری ارزشمندی داشته اند؛ سپاسگزاری نمایند: پروفیسور برنارد اوکین، دکتر پرویز هلاکویی، دکتر حامد صیاد شهری، دکتر محمد مرتضوی، محسن ملک احمدی، محسن ناصری، کیانوش معتقدی، زهرا قطب الدینی بافقی، سجاد خسروی بیژانم، نرگس وفادار و ملیکا یزدانی.

منابع و مأخذ

۱. اسلامی، الله قلی. ۱۳۵۳. بازار قیصریه لار. هنر و مردم. ش ۱۳۹. صص ۷۰-۷۳.
۲. افشار، ایرج. ۱۳۵۴. یادگارهای یزد. تهران: انجمن آثار ملی.
۳. اوکین، برنارد. ۱۳۸۶. معماری تیموری در خراسان. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۴. ایرانی، عبدالمحمد. بی تا. پیدایش خط و خطاطان. تهران: یساولی.
۵. آژند، یعقوب. ۱۳۸۶. سلطان علی مشهدی. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
۶. حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۷۹. گنج نامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران. جلد پنجم: مدارس. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
۷. حکمت، علی اصغر. ۱۳۳۷. نقش پارسی بر احجار هند. تهران: کتابخانه ابن سینا.
۸. خسروی بیژانم، فرهاد. ملیکا یزدانی، فریبا خطابخش، محسن ناصری. ۱۳۹۴. طبقه بندی قلم های خوشنویسی و شیوه های اجرایی کتیبه های چوبی در تزئینات معماری ایران. مجموعه مقالات دومین همایش ملی باستان شناسی ایران. کد ۱۲۹. صص ۱-۱۴. مشهد: دانشگاه بیرجند با همکاری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی و جنوبی.
۹. خسروی بیژانم، فرهاد. یزدانی، ملیکا. ۱۳۹۰. معرفی کتیبه منحصر به فرد آب انبار مجموعه شیخ جام به خط نستعلیق علی رضا عباسی. همایش ملی هنر اسلامی. دانشگاه بیرجند.
۱۰. خسروی بیژانم، فرهاد. ۱۳۸۶. نستعلیق در کتیبه های مکتب اصفهان با تکیه بر آثار محمد صالح اصفهانی. مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی بین المللی مکتب اصفهان. صص ۱۰۱-۱۲۱. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۱. خسروی بیژانم، فرهاد. ۱۳۹۲. تحولات مضمونی و فرمی کتیبه های نستعلیق در بقاع متبرکه دوره صفوی اصفهان. مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی امامزادگان. ج ۲. صص ۵۸۹-۶۱۳. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه و دانشگاه اصفهان.
۱۲. دادمهر، منصور. ۱۳۷۸. سقاخانه ها و سنگاب های اصفهان. اصفهان: گلهها.
۱۳. دانش یزدی، فاطمه. ۱۳۸۷. کتیبه های اسلامی شهر یزد. یزد: سبحان نور - پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
۱۴. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. ۱۳۵۲. آثار ملی اصفهان. تهران: انجمن آثار ملی.
۱۵. روح الامین، سید احسان. ۱۳۸۵. فن شناسی، آسیب شناسی و ارائه راهکارهای حفاظتی کتیبه گچبری تکیه میرفندرسکی. پایان نامه کارشناسی ارشد مرمت اشیا فرهنگی و تاریخی. دانشگاه هنر اصفهان.
۱۶. روح الامین، سید احسان. ۱۳۸۶. داستان کتیبه میر فندرسکی. مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی بین المللی مکتب اصفهان. صص ۱۴۵-۱۶۵. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۷. ستوده، منوچهر. ۱۳۶۶. از آستارا تا استارباد. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۸. ستوده، منوچهر. ۱۳۷۵. کتابه های حرم مطهر حضرت معصومه (س) و حظیره های اطراف آن. قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی



مرعشی نجفی.

۱۹. صالحی کاخکی، احمد. اصلانی، حسام. ۱۳۹۰. معرفی دوازده گونه از آرایه های گچی در تزئینات معماری دوران اسلامی ایران بر اساس شگردهای فنی و جزئیات اجرایی. *مطالعات باستان شناسی*. ش ۳. صص ۸۹-۱۰۶.
۲۰. عقابی، محمد مهدی. ۱۳۷۶. *دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: بناهای آرامگاهی*. تهران: سوره مهر.
۲۱. فضائی، حبیب الله. ۱۳۸۴. *تعلیم خط*. چاپ نهم. تهران: سروش.
۲۲. قدسی، منوچهر. ۱۳۷۸. *خوشنویسی در کتیبه های اصفهان*. اصفهان: گلها.
۲۳. قلیچ خانی، حمیدرضا. ۱۳۷۳. *فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته*. تهران: روزنه.
۲۴. قلیچ خانی، حمیدرضا. ۱۳۹۲. *درآمدی بر خوشنویسی ایرانی*. تهران: فرهنگ معاصر.
۲۵. قمی، قاضی احمد. ۱۳۸۳. *گلستان هنر*. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. چاپ چهارم. تهران: منوچهری.
۲۶. کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۶. *تزئینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۷. مدرس طباطبایی. ۱۳۵۰. *مدارس قدیم قم: مدارس قم در دوره صفویه ۵. ماهنامه وحید*. ش ۹۴. صص ۱۰۱۵-۱۰۲۰.
۲۸. مدرس طباطبایی. ۱۳۵۰. *مدارس قدیم قم: مدارس قم در دوره صفویه ۶. ماهنامه وحید*. ش ۹۵. صص ۱۲۴۷-۱۲۵۲.
۲۹. مدرس طباطبایی، ح. ۱۳۴۶. *کتیبه های دوره صفوی در قم*. ماهنامه وحید. ش ۴۷. صص ۱۰۱۷-۱۰۲۳.
۳۰. مصطفوی، سید محمد تقی. ۱۳۵۱. *آثار تاریخی تهران؛ اماکن متبرکه*. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۱. مکی نژاد، مهدی. ۱۳۸۷. *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: تزئینات معماری*. تهران: سمت.
۳۲. ملازاده، کاظم. محمدی، مریم. ۱۳۷۹. *بناهای عام المنفعه از مجموعه دایره المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی*. تهران: حوزه هنری.
۳۳. مولوی، عبدالحمید. ۱۳۵۴. *آثار باستانی خراسان: جلد اول: آثار تاریخی جام، نیشابور و سبزوار*. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۴. نراقی، حسن. ۱۳۳۸. *آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز*. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۵. ورجاوند، پرویز. ۱۳۴۹. *سرزمین قزوین: سابقه تاریخی و آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین قزوین*. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۶. هاشمی نژاد، علیرضا. ۱۳۸۴. معرفی یکی از قدیمی ترین کتیبه ها به قلم نستعلیق. *مجله مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. سال ۴. ش ۷. صص ۲۴۵-۲۵۹.
۳۷. هنرفر، لطف الله. ۱۳۴۴. *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: کتابخانه ثقفی.
۳۸. هنرفر، لطف الله. ۱۳۴۶. *بقعه شاهزادگان*. ماهنامه وحید. ش ۲. سال ۵. صص ۱۳۶-۱۴۹.
۳۹. هنرفر، لطف الله. ۱۳۴۸. *فهرست کتیبه های تاریخی در آثار باستانی اصفهان*. ماهنامه معارف اسلامی (سازمان اوقاف). ش ۱۰. صص ۵۵-۶۳.

References

1. Afshar, Iraj. 1975. *Memorials of Yazd*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
2. Azhand, Yaqoub. 2007. *Sultan Ali Mashhadi*. Tehran: Amirkabir.
3. Dadmehr, Mansour. 1999. *Saqakhaneh and Troughs of Isfahan*. Isfahan: Golha.
4. Danesh Yazdi, Fateme. 2008. *Islamic Inscription of Yazd city*. Yazd: Sobhan noor.
5. Fazaeli, Habibollah. 2005. *Talim-e Khatt*. Tehran: Soroush.
6. Ghelichkhani, Hamid Reza. 1994. *Dictionary of words and phrases of calligraphy and related arts*. Tehran: Rowzane.
7. Ghelichkhani, Hamid Reza. 2013. *an introduction of Persian Calligraphy*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
8. Hajiqassem, Kambiz. 2000. *Ganj-name. Vol. 5: Schools*. Tehran: Shahid Beheshti University.
9. Hasheminezhad, Ali Reza. 2005. *Introduction of one of the oldest Nastaliq Inscriptions*. Iranian studies (Kerman University). 7: 245-259.
10. Hekmat, Ali Asqar. 1958. *Persian inscriptions in india*. Tehran: Ibn-e Sina.
11. Honarfar, Lotfollah. 1965. *Collection of historical monuments of Isfahan*. Isfahan: Saqafi.
12. Honarfar, Lotfollah. 1967. *Shahzadegan Tomb*. Vahid. 2: 136-149.
13. Irani, Abdolmohammad. *Genesis of calligraphy and calligraphers*. Tehran: Yassavoli.
14. Islami, Allahqoli. 1974. *Bazar-e Qeysariye in Lar. Honar-o Mardom*. 139: 70-73.
15. Khosravi Bizhaem, Farhad. 2007. *Nastaliq in Isfahan school Inscriptions focusing on the works of Mohammad Saleh Isfahani*. Collected Essays on Calligraphy at International Isfahan School Congress. pp.101-121. Tehran: Iran's Academy of Arts.



16. Khosravi Bizhaem, Farhad. 2013. Study of content and formal evolution of Nastaliq Inscriptions in Safavid Holy Tombs of Isfahan. *Collected Essays at International Imamzadegan Congress*. pp.589-613. Isfahan University press.
17. Khosravi Bizhaem, Farhad. Yazdani, Melika. 2011. Introduction of an exclusive Nastaliq Inscription in Seykh-I Jaam tomb by Ali Reza Abbassi. *The National Islamic Art Conference*. University of Birjand. Birjand. Iran.
18. Kiani, Mohammad Yousef. 1995. *Iranian Architectural decoration in Islamic era*. Tehran: Cultural Heritage Organization.
19. Makkinezhad, Mahdi. 2008. *Iranian art history in Islamic era: architectural decoration*. Tehran: Samt.
20. Modarres Tabatabaei, H. 1967. Safavid inscriptions in Qom. *Vahid*. 47: 1017-1023.
21. Modarres Tabatabaei, H. 1971. The old schools of Qom: Safavid schools 5. *Vahid*. 94: 1015-1020.
22. Modarres Tabatabaei, H. 1971. The old schools of Qom: Safavid schools 6. *Vahid*. 95: 1247-1252.
23. Molavi, Abdolhamid. 1975. *Monuments of Khorasan*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
24. Mostafavi, Mohammad Taqi. 1972. *Monuments of Tehran*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
25. Naraqi, Hassan. 1969. *Memorials of Kashan and Natanz*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
26. O'Kane, Bernard. 2006. *The treasures of Islamic Art in the museums of Cairo*. Cairo-New York: the American University in Cairo Pres.
27. O'Kane, Bernard. 2007. *Timurid Architecture in Khurasan*. Translated by Ali Akhshini. Mashhad: Islamic research foundation.
28. Oqabi, Mohammad Mahdi. 1997. *Encyclopedia of Iranian monuments in Islamic period: the tombs*. Tehran: Soure Mehr.
29. Qodsi, Manouchehr. 1999. *Calligraphy on Isfahan Inscriptions*. Isfahan: Golha.
30. Qomi, Qazi Ahmad. 2004. *Golestan-e Honar*. Tehran: Manouchehri.
31. Rafie Mehrabadi, Abilqassem. 1973. *National monuments of Isfahan*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
32. Rouholamin, Ehsan. 2007. Study of Inscription in Tkye-Mir. *Collected Essays on Calligraphy at International Isfahan School Congress*. pp.145-165. Tehran: Iran's Academy of Arts.
33. Salehi Kakhki, Ahmad, and Hesam Aslani. 2011. Presentation of 12 Kinds of Stucco Works Used in the Architectural Decoration of the Islamic Period in Iran Based on Technical Properties. *Archaeological Studies (Literature and Humanities Faculty)* 3(1): 89-106.
34. Siddiq, Mohammad Yusuf. 2010. *Epigraphy and Islamic culture: Arabic and Persian inscriptions of Bengal and their historical implications (1205-1707)*. all rights reserved by the author.
35. Sotoude, Manouchehr. 1987. *from Astara to Starbad*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
36. Sotoude, Manouchehr. 1996. *Inscriptions of Hazrat-e Masoume Holy Shrine*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi.
37. Varjavand, Parviz. 1970. *Qazvin: History and Monuments*. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
38. Wannell, Bruce. Amini. Wahid. 2013. *Herat: elite burials an endangered heritage*. Kabul: Aga Khan Trust for Culture (AKTC).





Categories practices of used techniques in Nastaliq inscriptions on Safavid architectural decoration

Ahmad Salehi Kakhki *

Associate Professor, Conservation Faculty, Art University of Isfahan

Qobad Kianmehr **

Associate Professor, Handicrafts Faculty, Art University of Isfahan

Hamid Reza Ghelichkhani ***

PhD in Persian Literature

Farhad Khosravi Bizhaem ****

PhD student, Art University of Isfahan

Received: 3/1/2016

Accepted: 12/7/2016

Abstract

One of the most attractive and most diverse decorations of the Safavid period architecture is Nastaliq inscriptions that have been implemented in different ways in buildings with different applications. The scrolls contain valuable information such as a description of the building, patrons and artists who identify and introduce them to clear the hidden aspects of architecture and calligraphy history. In addition, the aesthetic aspects of this work are also being investigated. From this perspective, one of the things that cannot be oblivious to it, the variety of practices those impacts on the quality of calligraphy in the inscriptions. The aim of this study is to identify common practices and introducing lesser-known practices in the implementation of Nastaliq inscriptions in the architectural decoration belonging Safavid dynasty.

This fundamental research is the descriptive study was conducted; the sampling method used is Post Stratification. Accordingly, the 204 available inscriptions have been studied. More than sixty percent of the documentary has been gathered by field researches. The results indicate that the first Nastaliq inscriptions were in 9th mid-century A.H. carving used in the series of gravestones in Herat. Results show that in the Safavid period, this way has continued. In this period, the techniques divided to 6 main ways which containing 17 separable distinct subsets. The abundance percentage of the most common methods in inscriptions shows that: Stoney (51%) and Tile working (24.9%) are the most two usage ways. After those, the ornaments made of plaster, wood, metal and painting in terms of the number of samples are the other techniques. According to the classification of different methods, there are 6 unique techniques in research samples: Koshte-bori and Tokhme-gozari (two branches of Stucco Decorations) at Pinia House in Naein and Nim-Avard School at Isfahan, Laye-Chini (Gilded Decoration on Plaster) at Aliqapou Palac in Isfahan, Hakkaki (Wood Engraving) at Jame mosque in Natanz, Moshabbak-felez (Metallic Reticular) at Darbe-Imam in Isfahan and Qalamzani Barjaste (Metallic Relief Scrimshaw) at Chaharbagh School in Isfahan.

* Ahmadsalehikakhki@yahoo.com ** Q.kianmehr@aui.ac.ir *** Hr.ghelichkhani@gmail.com **** Farhadkhosravi121@yahoo.com

Also, when applying such methods was used in architectural decoration are investigated based on dated samples. On the basis of dated inscriptions can be proposed as follows: the first technique is Stone Carving at 922-923 A.H. in Maydan mosque in Kashan and tomb of Imamzade Abolfotooh in Vanshan. Mosaic Tile is the next method which used probably in 918 and certainly in 951 A.H. After these two styles, respectively: Woodcut (963 A.H), Stucco (979 A.H), Metallic Scrimshaw (1011 A.H), Wood Engraving (1012 A.H), Stone Engraving (1020 A.H), and Stone Mosaic (1031 A.H), Haft-Rang Tile (1034 A.H), Painting (1073 A.H), Metallic Reticular (mid-11th century A.H), Rooye-koobi (1091 A.H), Tokhme-gozari and Laye-Chini (early 12th century A.H) and finally Metallic Relief Scrimshaw (1120 A.H).

This study shows that the variety of technical method used in Nastaliq Inscription was limited on first half of Safavid era and the culmination of a variety of methods has been in the 11th century A.H.

Keywords: Nastaliq Inscriptions, Architectural Decoration, Safavid Monuments, Safavid Calligraphy.

